

پناهیان: دوران مضطر بودن انسان به دین فرارسیده/ امروزه هر دانشجو باید یک نیم‌کارشناس دینی باشد/ دوره اینکه هر چیزی غیر از دین، قدرت برتر را تولید کند، گذشته است/ آمریکا اگر می‌توانست با علم و تکنولوژی منافعش را در منطقه تأمین کند، دست به دامن تکفیری‌ها نمی‌شد/ دین اگر قلبی هم باشد، قدرت خودش را نشان می‌دهد/ شهید دیالمه الگوی یک دانشجوی دین‌شناس و عالم‌شناس

پناهیان: امروزه، معرفت دینی آگاهی اولیه مورد نیاز رهبران جهان است، و چون من و شما باید در رهبری جهان مشارکت داشته باشیم، لذا باید معرفت دینی داشته باشیم. دیگر هیچ دانشجویی نمی‌تواند در گوشه عافیت بنشیند و بگوید که علمای اسلام می‌روند تحقیق و بررسی می‌کنند و نتیجه‌اش را به ما می‌گویند! هر دانشجویی باید یک نیمچه کارشناس و متخصص دینی باشد تا بتواند بین علمای دینی، عالم خوب را از عالم بد تشخیص دهد.

حجت الاسلام علیزاده پناهیان در مراسم افتتاحیه ششمین دوره حوزه علوم اسلامی دانشگاه امیرکبیر ضمن اشاره به اینکه امروز دیگر دوران نزاع میان بی‌دینی و دین به پایان رسیده و تمام دعاها دارد بر سر دین صورت می‌گیرد، گفت: امروزه ضرورت و انگیزه کسب معارف دینی، کاملاً با یک دهه گذشته و قبل از آن متفاوت شده است. قبلاً ایمان و علاقه به دین و معرفت، عاملی می‌شد تا جوان‌ها گرایش پیدا کنند که از دین بیشتر بدانند. اما امروز شما وارد زمانی شده‌اید که کسب معارف دینی یک ضرورت حیاتی است. امروزه دین در حال تبدیل شدن به القای حیات بشر است. دین دارد جهان را اداره می‌کند و دین‌آگاهان دارند رهبران جهان می‌شوند.

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در این سخنرانی را می‌خوانید:

امروزه کسب معارف دینی به یک ضرورت حیاتی تبدیل شده

- امروزه ضرورت و انگیزه کسب معارف دینی، کاملاً با یک دهه گذشته و قبل از آن متفاوت شده است. قبلاً ایمان و علاقه به دین و معرفت، عاملی می‌شد تا جوان‌ها گرایش پیدا کنند که از دین بیشتر بدانند. اما امروز شما وارد زمانی شده‌اید که کسب معارف دینی یک ضرورت حیاتی است.
- امروزه دین در حال تبدیل شدن به القای حیات بشر است. نمی‌دانم چه کسی این وضع را پیش آورده اما به هر حال دارد این‌گونه می‌شود. دین دارد جهان را اداره می‌کند و دین‌آگاهان دارند رهبران جهان می‌شوند.

دوران نزاع بی‌دینی و دین به پایان رسیده است/ امروزه تمام دعاها دارد بر سر دین صورت می‌گیرد

- امروزه تمام دعاها دارد بر سر دین صورت می‌گیرد. دیگر دعوای میان «بی‌دینی و الحاد» با «دین» در جهان وجود ندارد. حتی دعوایی شبیه اینکه کسی بخواهد با دین اسلام مبارزه کند نیز وجود ندارد.
- زمانی که بوش فرمان جنگ صلیبی را صادر کرد، اما این فرمانش نگرفت و حتی یک اروپایی و آمریکایی را نیز به حرکت درنیاورد، در واقع دوران این دعا به پایان رسیده بود. زمانی که بیداری‌های منطقه شکل گرفت؛ حتی در کشورهایی که دشمنان ما می‌خواستند به بهانه دین‌گرایی و نه ناسیونالیسم عربی تغییراتی را صورت دهند، همان زمان اعلام ورشکستگی مبارزه لائسیسته و هر نوع تفکر الحادی با دین، اعلام شده بود.

معرفت دینی، آگاهی اولیه مورد نیاز رهبران جهان است/ هر دانشجو باید یک نیم‌کارشناس دینی باشد تا بتواند عالم خوب را از عالم بد تشخیص دهد

- **معرفت دینی، آگاهی اولیه مورد نیاز رهبران جهان است، و چون من و شما باید در رهبری جهان مشارکت داشته باشیم، لذا باید معرفت دینی داشته باشیم. دیگر هیچ دانشجویی نمی‌تواند در گوشه عافیت بنشیند و بگوید که علمای اسلام می‌روند تحقیق و بررسی می‌کنند و نتیجه‌اش را به ما می‌گویند! هر دانشجویی باید یک نیمچه کارشناس و متخصص دینی باشد تا بتواند بین علمای دینی، عالم خوب را از عالم بد تشخیص دهد.**

درگیری آخرالزمان، درگیری بر سر تفسیرهای غلط از دین است

- درگیری آخرالزمان، درگیری بر سر تفسیرهای غلط از دین است؛ نه درگیری بر سر دفاع از دین در مقابل بی‌دینی. الان قدرت دین دارد خودش را نشان می‌دهد. امروزه در منطقه، دین‌هایی که غیر حق هستند، دارند قدرت خودشان را نشان می‌دهند. و دیدن این صحنه جالب خواهد بود که روشن‌فکران دین‌گریز و دین‌ستیز، دست به دامن دین و دینداران بشوند و از آنها خواهش کنند «برای اینکه این افراطیون تکفیری سر ما را نزنند، یک حکم شرعی صادر کنید!». الان کم و بیش این قبیل صحنه‌های خنده‌دار دارد در منطقه دیده می‌شود. روشن‌فکر ضد دینی که اصلاً دین را مورد نیاز نمی‌دانست که این قدر به آن بپردازد و از اصطلاح «دین حداقلی» سخن می‌گفت، کم‌کم دارد به التماس می‌افتد و به پای کسانی که مقداری معرفت دینی دارند می‌افتد و از آنها می‌خواهد: «تو را به خدا با این معارف دینی خودتان از جان من و از حداقل‌های دارایی من محافظت کنید!»

- پیامبر اکرم (ص) فرموده بودند که در آخرالزمان قومی خواهند آمد که نماز و قرآن‌خواندنشان بیشتر از شما است، جوان و سبک‌سر و متعصب و خیره‌سر هستند، و وقتی سخن می‌گویند بهترین سخنان را می‌گویند، اما عملشان وحشتناک است. (الإمام علی علیه السلام: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ أَحْدَاثُ الْأَسْنَانِ، سَهْمَاءُ الْأَخْلَامِ، قَوْلُهُمْ مِنْ خَيْرِ أَقْوَالِ أَهْلِ الْبَرِّيَّةِ، صَلَاتُهُمْ أَكْثَرُ مِنْ صَلَاتِكُمْ، وَ قِرَاءَتُهُمْ أَكْثَرُ مِنْ قِرَاءَتِكُمْ، لَا يُجَاوِزُ إِيْمَانُهُمْ تَرَاتِبَهُمْ - أَوْ قَالَ خَنَاجِرُهُمْ - يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرِّمِيَّةِ، فَاقْتُلُوهُمْ؛ كُشِفَ الْعَمَةُ ۱/۱۳۰؛ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید/۲/۲۶۷؛ كنز العمال/ ۳۰۹۴۹) جالب اینجاست که این روایت را اهل سنت نیز نقل کرده‌اند و یکی از علمای اهل سنت این روایت را به تکفیری‌ها تطبیق می‌دهد.

- تکفیری‌ها یک حادثه نیستند، بلکه تبلور یک زمانه و شرایطی هستند که پیش آمده است. شرایطی که می‌گوید: دین اگر قلبی هم باشد، قدرت خودش را نشان می‌دهد. تازه ما می‌فهمیم که دین-حتی اگر قلبی باشد- چه قدرتی دارد، اما تا به حال از آن به خوبی برای دفاع از منافع انسان‌ها استفاده نکرده‌ایم، و خوب به آن نپرداخته‌ایم.

دوره اینکه هر چیزی غیر از دین، قدرت برتر را تولید کند، گذشته است / آمریکا اگر می‌توانست با علم و

تکنولوژی منافعش را در منطقه تأمین کند، دست به دامن تکفیری‌ها نمی‌شد

- **دوره اینکه قدرت تنها به دست علم و تکنولوژی باشد گذشته است، آمریکا اگر می‌توانست با علم و تکنولوژی خودش، منافعش را در منطقه تأمین کند، دست به دامن تکفیری‌ها نمی‌شد. دوره اینکه هر چیزی**

غیر از دین، قدرت برتر را تولید کند، گذشته است. دوره اینکه علم و عقلانیت را مقابل دین بگذارند، گذشته است. و اصلاً خود علم و عقلانیت است که ما را به دین دعوت می‌کند. دوره اینکه کسانی با تجربیات اندک بشری شروع کنند و زندگی انسان‌ها را از دین، منحرف و غافل کنند گذشته است. دوره سرگرم شدن به چیزی غیر از دین هم گذشته است. دوره داستان‌های عشقی و داستان‌های پست و پلشت منفعت‌طلبانه یا غریزی حیوانی نیز گذشته است و دیگر جزء عده قلیلی کسی با این مقوله‌ها سرگرم هم نمی‌شود.

از بس که بشریت را در تشنگی دین قرار داده‌اند و از بس که بشر را دچار هلاکت و فلاکت بی‌دینی قرار کرده‌اند، امروزه بسیاری از جوان‌هایی که جويا و تشنه معنویت بودند و از فرهنگ و تمدن غرب خسته شده‌اند، خیلی راحت دارند جذب مرام تکفیری‌ها می‌شوند که بعد هم به خودشان مهمات ببندند و بروند انسان‌های بی‌گناه را بکشند؛ فقط به عشق اینکه بوی دین به مشام‌شان رسیده است. و اگر از آنها بپرسید که چرا جذب مرام تکفیری‌ها شده‌اید، خواهند گفت: «به خاطر اینکه هیچ کس دیگری نیامده تا دین را به ما معرفی کند.»

اگر ما در معرفی و عرضه کردن دین حق به جهانیان کوتاهی کنیم و فرصت را از دست بدهیم، کسانی که امروز از رونق بازار دیانت و معنویت و تشنگی مردم جهان به دین حق، آگاه هستند، با دین قلابی خودشان تعداد بیشتری را گمراه و منحرف خواهند کرد. کما اینکه دارند هزار نفر هزار نفر از اینها را جذب می‌کنند که حاضرند بلیط یک‌طرفه بگیرند و بروند برای کشته شدن و کشتن کسانی که اصلاً آنها را نمی‌شناسند.

دوران مضطر بودن انسان به دین فرارسیده / کم‌کم همه انسان‌ها مجبور می‌شوند اسلام را بشناسند

امروزه دین در عالم حرف اول را می‌زند؛ هم در تولید قدرت، هم در هدایت قدرت و هم در اداره حیات انسان‌ها، و این‌گونه می‌شود که ما مضطر «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (فتح/۲۸) می‌شویم که بیاید و آن دین حق بر همه دین‌های غیر حق پیروز شود. قبلاً فکر می‌کردیم که امام زمان (ع) می‌آید و دین حق را بر بی‌دینی غلبه می‌دهد، در حالی که امروز می‌بینیم که بی‌دینی مرده است و دورانش گذشته است. اگر کسی هنوز با بی‌دینی کردن، احساس شخصیت می‌کند او بازمانده‌های عصر گذشته است و حواسش نیست که دیگر دوران این مُد(بی‌دینی) گذشته است.

امروز دوران مضطر بودن انسان به دین فرارسیده است، و تو اگر بخوای مواظب خودت باشی باید معارف دینی خودت را بالا ببری. بنده سال‌های قبل در جمع دانشجویانی که در جلسات درس حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان شرکت می‌کردند، بیشتر تشویقی صحبت می‌کردم و می‌گفتم چقدر زیبا و باشکوه است که دانشجویان ما این قدر علاقه دارند که در کنار زندگی علمی و حرفه‌ای خودشان به آموختن معارف اسلامی بپردازند. اما امروز در جمع شما اصلاً تشویقی سخن نگفتم، بلکه عرض کردم که من و شما و همه ابناء بشر، مضطر به دین و معارف دینی هستیم. کم‌کم همه انسان‌ها مجبور می‌شوند اسلام را بشناسند.

یک جریان تکفیری هم در درون شیعه شکل گرفته است و دارد یارگیری می‌کند

شرایط امروز منطقه را ببینید! اینها حوادثی نیستند که قابل عبور کردن باشند. این حادثه‌ای نیست که دو روزه پدید آمده باشد و دو روزه نیز از بین برود، بلکه یک فرآیندی را طی کرده تا به اینجا رسیده و از این مرحله عبور نخواهیم کرد مگر اینکه این درگیری به پیروزی دین حق منجر بشود؛ کدام دین حق؟ همان دین حقی که من و تو می‌شناسیم و در سینه‌های ما جاری است.

همان‌گونه که سلفی‌گری مدعی وجود دارد که از سنی‌گری سوء استفاده می‌کند، یک نوع سلفی‌گری دیگر نیز در این طرف درست می‌شود که از شیعه‌گری سوء استفاده می‌کند. به بیان دیگر، یک جریان تکفیری هم در درون شیعه شکل گرفته و دارد یارگیری می‌کند. هیچ‌کدام‌شان هم به کمتر از قتل و لعن و نفرین راضی نیستند! و شما در این میان باید عالم خوب را از عالم بد تشخیص بدهید.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید در آخرالزمان فتنه‌ها زیر سر علما است. (... مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تُعَوَّدُ كَافِي ۳۰۸/۸) امام رضا (ع) نیز در کلام شریفی می‌فرماید که در آخرالزمان سخت‌ترین چیز این است که شما عالم خوب را تشخیص دهید. (إِنَّ مَمَّنْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ؛ وسائل‌الشیعة/۱۶/۱۷۰) در فتنه‌های سهمگین آخرالزمان، فقط با تکیه بر دین‌مان می‌توانیم خودمان و محرومان و مستضعفان عالم را نجات دهیم و لااقل گلیم خودمان را آب بیرون بکشیم.

امروز دوران این سؤال رسیده: کدام دین حق دارد جامعه بشری را اداره کند؟ / شهید دیالمه الگوی یک

دانشجوی دین‌شناس و عالم‌شناس است

دوران پرسش‌هایی از این دست که «آیا دین می‌تواند جامعه بشری را اداره کند یا نه؟» دیگر گذشته است؛ امروز دوران این پرسش فرارسیده است: «کدام دین حق دارد جامعه بشری را اداره کند؟» و برای پاسخ دادن به این سؤال باید به خوبی دین را شناخت.

بنده کماکان الگوی جدیدی برای یک دانشجوی دین‌شناس و عالم دینی شناس، پیدا نکرده‌ام، و همان الگویی را که بارها اعلام کرده‌ام در اینجا نیز برای شما معرفی می‌کنم؛ یعنی «شهید دیالمه». ایشان می‌توانست عالم خوب را از عالم بد تشخیص دهد و بین علمایی که مشهور بودند علمای خوب انقلابی را تفکیک می‌کرد و قدرت و فهم این کار را داشت، لذا خیلی محکم اعتراض می‌کرد که «چرا به فلان عالم، آیت‌الله می‌گویید؟! او معلوماتش در حد یک آیت‌الله نیست.»

شهید دیالمه یک دانشجو بود و هنوز مدرک تحصیلی‌اش را هم نگرفته بود. امروز دانشجویانی که در چنین شرایطی هستند بعضاً هنوز خودشان را مسئول نمی‌دانند که مستقل باشند و روی پای خودشان بایستند و برای خودشان تصمیم بگیرند، چه رسد به اینکه برای جامعه خودشان تصمیم بگیرند. اما شهید دیالمه، دانشجویی بود که من طلبه به او افتخار می‌کنم و دوست دارم به او تاسی کنم. هنوز شیفته سخنان او هستم و می‌گویم: «خدایا! وقتی به یک جوان این قدر فهم و بصیرت می‌دهی، چه غوغایی می‌کند!»

شهید دیالمه مدعی این هم نبود که طلبه یا عالم دینی است، بلکه با مطالعه و فهم خودش به اینجا رسیده بود. ولی نوارهای سخنرانی‌های او بعد از سی سال، هنوز قابل استفاده است. به تعبیری می‌توان گفت او یک دانشجوی علوم اسلامی در حوزه دانشگاهیان بود، هر چند آن موقع هنوز چنین حوزه‌ای در دانشگاه‌ها تأسیس نشده بود.

امیدوارم شما در این فضا، نیروها و دانشجویان دانشمندی باشید که دست‌تان از معارف دینی پُر باشد و بتوانید با این معارف دینی، قدرت جامعه دینی خودتان را استحکام ببخشید و سلامت خودتان را تضمین کنید.

